



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵ / ۰۵ / ۱۱

یونس نگاه

پیروزی

در نتیجه مساوی یک بازی، دو طرف با حس مشابه میدان را ترک نمی‌کنند. آن‌که ورزشکار ماهر است، وقت بیشتر برای آمادگی صرف کرده و انتظار پیروزی را داشته است، در نتیجه مساوی شکست می‌خورد. آن‌که انتظار شکست آبرومندانه را داشته، چندان ورزشکار نبوده و در روزهای پیش از مسابقه در دسرهای کوچکی و نان خانواده آرامش را از او گرفته است، در نتیجه مساوی به هیجان می‌آید و احساس پیروزی می‌کند. رسانه‌ها می‌گویند بعد از آتش‌بس میان هند و پاکستان، مسوولان دو کشور حس مشابه ندارند. هندی‌ها احساس آرامش می‌کنند که شر بخیر گذشت و آنان را از کار و زندگی برای مدت طولانی دور نکرد. گسترش احتمالی جنگ میان مردم هند، به‌خصوص ساکنان سرحدی نگرانی ایجاد کرده بود. آنان زندگی نسبتاً باثبات داشته و به آینده امیدوارند. لذا فکر می‌کنند برهم خوردن این وضعیت هزینه‌های سنگین خواهد داشت.

در پاکستان زندگی مردم دچار بن‌بست است، دولت و اردو نیز در کورگه‌های مشکلات به‌دردسر افتاده اند. از این‌رو جنگ محدود با هند برای آنان معنا و نتیجه دیگری داشته است. ملی‌گرایان پاکستانی از این‌که در سراسر کشور شعار الله اکبر و پاکستان زنده باد راه افتاده است، احساس پیروزی می‌کنند. اردو و مقامات دولتی از این‌که بعد از سال‌ها سرخوردگی، بدنامی، بی‌برنامگی و بن‌بست توانسته‌اند با چند فیر راکت و چند روز رویارویی نظامی محدود باهم متحد شوند، هیجان دارند.

میان جمعیت گرسنه‌ای که از وضعیت جاری به‌تنگ آمده و دل‌گرمی و امیدی در خانه ندارند، آشوب امید کاذب خلق می‌کند، سرخوردگی و ناامیدی را کاهش می‌دهد. گرسنگان و به‌بن‌بست رسیده‌گان از طوفان اجتماعی خوشحال می‌شوند. آنان از این احتمال انرژی می‌گیرند که شاید بتوانند در گردو خاک جنگ دکان‌های محله را چور کنند، در میان خانه‌های ویران پشت غنیمت و حلقه طلا و لحاف سالم بگردند، یا اگر خدا رحم کند به قریه‌ها و شهرهای طرف مقابل دست‌یابند و غنیمت‌های بسیار به‌دست آورند.

پایان رویارویی برای طرفی که می‌داند تاب جنگ دوامدار را ندارد، حتی اگر بسیار زده‌وزخمی هم شده باشد، شبیه پیروزی است. وقتی می‌بیند هنوز سرپاست، دست‌ها و چشم‌هایش کار می‌کند و نابود نشده است، خدا را شکر می‌کند و از ته دل شاد می‌شود.

در افغانستان ما نیز طالبان وقتی دیدند نه‌تنها زنده مانده‌اند، بلکه بسته دولت و کشور در اختیارشان قرار گرفته، شدیداً احساس پیروزی کرده‌اند. برای طالبان مهم نبود که بعد از تسلیم‌گرفتن دولت با نیازهای بی‌شمار مردم چه خواهند کرد، کودکان را چطور تعلیم و جوانان را چگونه کار خواهند داد، و خدمات را چطور بهبود خواهند بخشید. نفس

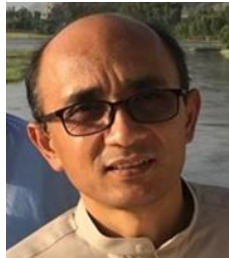
د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکني دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ

دسترسی به شهرها و امکانات ناچیز مالی و صلاحیت‌های بسیار برای آنان پیروزی بود. برای جمعی از غیرطالبان نیز که تا گلو در دزدی و تنبلی غرق بودند، و نمی‌دانستند با دوسیه‌های بسیارشان چه کار کنند، پایان دولت جمهوری اسلامی جشن بود. اما هزاران آدمی که تحصیل کرده بودند، مهارت داشتند و می‌خواستند در کشیدن افغانستان از بی‌سوادی و گرسنگی نقش بازی کنند، حاکمیت طالبان شکست بود حتی اگر آن شکست بر زندگی شخصی آنان تاثیر چندانی نداشته باشد و پس از آن در گوشه آرامتر دنیا مقیم شده و زندگی مرفهی داشته باشند.

پیروزی در هر موقعیت و برای همه یک معنا ندارد. وضعیت موجود، سطح آگاهی و انتظاراتی که از خود داریم بر حس پیروزی یا شکست اثرگذار است. اما پیروزی واقعی از کسانیست که بعد از هر چپ‌گرمک برخاسته، نتایج را هوشیارانه بررسی کنند و برای ادامه بازی آماده شوند.



آرشیف: نویسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین